

اثرات اجتماعی و اقتصادی تعاونیها



در عصر ما، تعاون، يك اهم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاست‌های دولت، در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و چنانچه به طور اصلی مورد حمایت قرار گیرد، بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و به تدریج استقرار شرایط را سبب شود که طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادی مربوط به خود تصمیم‌گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند.

بدین لحاظ، دولتهای بسیاری از کشورهای در حال توسعه سعی کرده‌اند نوعی سیستم اقتصادی اجتماعی که در آن برای بخش تعاون مقام خاصی در نظر گرفته شده باشد، به وجود آورند و نظام تعاونی، در سیستم اقتصادی و اجتماعی این ممالک، به عنوان نوعی «شیوه سوم» بین سیستم سرمایه‌داری غربی و روش دولتی و متمرکز شرقی، انتخاب و مورد توجه قرار گرفته است.

هدف از توسعه نهضت تعاونی در ممالک در حال توسعه اینست که از این طریق نه تنها به نوسازی شیوه‌های کهنه اقتصادی پرداخته شود، بلکه بدین وسیله شرایط اقتصادی و اجتماعی عادلانه‌تری نیز برقرار گردد.



در يك اقتصاد برنامه‌ای، بخش تعاون، باید در تحکیم زیربنای بسیاری از رشته‌های اقتصادی خصوصاً کشاورزی، صنایع کوچک، تبدیل فرآورده‌های کشاورزی، بازاریابی، توزیع، تامین روشنایی روستاها و خانه‌سازی مورد استفاده قرار گیرد، حتی در صنایع متوسط و در حمل و نقل نیز ممکن است فعالیت‌های با ارزش تعاونی صورت پذیرد.

در کشورهای در حال توسعه، غالباً نظرات مشابهی در این زمینه وجود دارد و گاه در برنامه‌های رسمی تصریح می‌شود که سیاست دولت باید کمک به مردم در جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی به روش تعاونی و استفاده از این روش در زمینه‌های تولید صنعتی، بازاریابی، توزیع، اعتبار و همچنین از بین بردن شرایطی که مانع از بالا رفتن سطح زندگی و توسعه اجتماعی اقتصاد ملی است باشد.

نکته مهم در بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های تعاونی اینست که اگرچه تشابه ظاهری از لحاظ نام و خصوصیات مالی بین تعاونی‌های ممالک مختلف جهان وجود دارد، معذالک جنبش تعاونی در ممالک جهان سوم را باید از نظر اصول فکری و عقیدتی و همچنین شرایط اقتصادی، متفاوت با تعاونی‌های کشورهای صنعتی اروپا و امریکا مورد بررسی و قضاوت قرار داد.

در ممالک صنعتی، ایجاد انواع شرکت‌های تعاونی، عکس‌العملی بود در مقابل نیروهای سرمایه‌داری. واکنش دفاعی تعاونی‌های اروپا متوجه سیستم اقتصادی و اجتماعی موجود در این قاره بود. یعنی سیستمی که جدائی بین سرمایه و کار را باعث گردیده بود.

در حالی که تعاونی‌ها در مواجهه با شیوه سنتی تولید در ممالک در حال رشد، مجبور هستند خود را با شرایط نامطلوب هماهنگ سازند و به عبارت دیگر وسیله‌ای قرار گیرند برای از بین بردن وضعیت نامطلوب مادی و تولیدی موجود در این ممالک. به همین جهت است که شرکت‌های تعاونی ممالک در حال توسعه را نمی‌توان به عنوان مؤسسات خالص

اقتصادی بحساب آورد، بلکه بیشتر در حکم مؤسساتی هستند که تحقق اهداف تعدد اجتماعی و اقتصادی به عهده آنها واگذار شده است و چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می‌کنیم، انجام امور اقتصادی به شکل تعاونی، یکی از روشهای مناسب برای تامین عدالت اقتصادی، مبارزه با فقر و محرومیت و نیل به استقلال اقتصادی شناخته شده است.

نقش اجتماعی شرکتهای تعاونی

بی‌تردید، شرکتهای تعاونی دارای وظایف اقتصادی عمده‌ای هستند، لکن به دلیل اهمیتی که در تعاون به شخصیت فرد داده می‌شود، از توانائی انجام اصلاحات اجتماعی خاصی نیز برخوردارند. در توصیف این موضوع باید ابتداء به نقش تعاون در غلبه بر اثرات ناشی از گسستگی پیوندهای اجتماعی جوامع رو به رشد اشاره نمود.

رسوخ شیوه‌های اقتصادی جدید سرمایه‌داری و نظرات و افکار ناشی از آن به روستاها موجب می‌گردد که نوعی از هم‌پاشیدگی اجتماعی در زندگی جمعی جوامع روستائی به وجود آید. از هم‌پاشیدگی پیوندهای اجتماعی در روستاها، هنگامی منجر به بروز عواقبی وخیم می‌گردد که روستائیان زندگی جمعی و در عین حال محدود و بسته روستائی را رها کرده و بدنبال کسب و کار روانه شهرها شوند، بدون آنکه در شهرها امکانات شغلی مستمر برای آنها فراهم شده باشد.

بدین سان، در شهرها محله‌های فقیرنشین بوجود می‌آید که در آن افراد ارزشهای سنتی مورد قبول خود را از دست داده و پیوندهای اجتماعی آنها از بین می‌رود و این امر موجب پیدایش تضادهای اجتماعی شده و سرمنشأ نارضائیهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد. در این زمینه شرکتهای تعاونی با هدایت و حمایت مؤثر سازمانهای دولتی می‌توانند در چارچوب برنامه‌های توسعه و نوسازی روستاها

موجباتی را فراهم کنند تا از اضمحلال این پیوندها جلوگیری به عمل آید، تحقق این هدف از طریق تقویت افکار و اندیشه‌های خودپاری در اهالی روستاها و بهبودی که به این ترتیب در وضع اقتصادی و اجتماعی روستاها پدید می‌آید، میسر است. همچنین شرکتهای تعاونی می‌توانند رسوم و عادات قدیمی و ضد توسعه اهالی را از طریق آموزش و اقدامات تربیتی در جهتی مثبت و سازنده تحت تاثیر قرار دهند.

شرکتهای تعاونی قادرند در شهرها نیز از گسستگی و از هم‌پاشیدگی نهادهای اجتماعی ممانعت به عمل آورند، حتی در مراکز کارگری برای شرکتهای تعاونی تا حد قابل توجهی میسر است که بروز اختلافات بکاهند.

نکته مهم دیگر اینکه در مناطق روستائی غالباً تسهیلات آموزشی کمتر بوده و سطح دانش افراد پائین‌تر از مردم شهرها است و برای بسیاری از افراد بعلت محدودیتهای اقتصادی آینده روشنی وجود ندارد و مجبورند همیشه در حداقل شرایط زندگی به حیات خود ادامه دهند. بنابر این تا زمانی که در روستاها از طریق ایجاد مراکز آموزشی و مؤسسات اجتماعی شرایط مناسب و مطلوب برای توسعه این مناطق فراهم نشود، به سختی می‌توان از میزان فقر و عقب‌ماندگی اهالی کاست و از مهاجرت آنها به شهرها جلوگیری نمود. شرکتهای تعاونی در این زمینه می‌توانند نقشی اساسی بر عهده گیرند. این شرکتهای اغلب در موقعیتی هستند که قادرند عناصر سدکننده توسعه اقتصادی را که در روستاها وجود دارد، از سر راه بردارند و مردم را به نیروهای محرك جهت پیشبرد و تقویت برنامه‌های توسعه اقتصادی مبدل سازند.

فعالیتهای اقتصادی در ممالک در حال توسعه غالباً با روشهای سنتی بدون استفاده از تکنیکهای مدرن تولید انجام می‌شود. در هر دور مورد، اقدامات آموزشی و تربیتی شرکتهای تعاونی می‌تواند مبنای تحول قرار گیرد. تعارضات توانائی آنها دارند که از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی روشهای

سودآورد اقتصادی را جایگزین شیوه‌های کهنه نمایند.

از لحاظ اجتماعی، وظایف تربیتی شرکتهای تعاونی از دو جهت بیشتر حائز اهمیت است: یکی تربیت اعضا به منظور ایجاد حس مسئولیت در آنان و توانائی عهده‌دار شدن وظایف اداری و رهبری تشکیلات تعاونی و دیگری، آشنا نمودن فرد فرد اعضا با اصول دمکراسی.

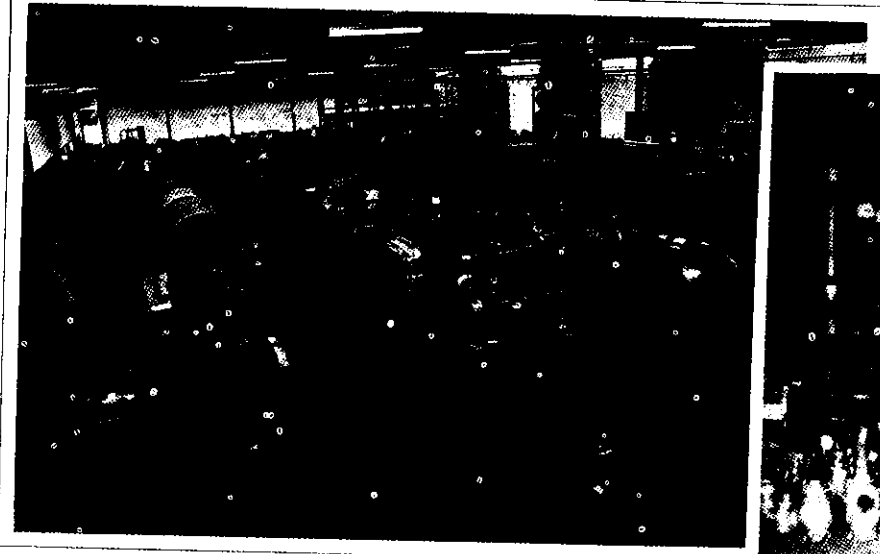
نقش اقتصادی شرکتهای تعاونی

افزایش تولید، یکی از اهداف مهم برنامه دولتها در توسعه اقتصاد ملی است. بدین ترتیب، تعیین سهم شرکتهای تعاونی در تولید، بیانگر نقش این مؤسسات در رشد اقتصادی خواهد بود. از سوی دیگر، نوع و حجم تولید در اقتصاد يك جامعه، علاوه بر فراهم بودن عوامل تولید، به بسیج این عوامل و ایجاد هماهنگی بین آنها در جهت مقاصد تولیدی بستگی دارد. تاثیر شرکتهای تعاونی در این رابطه، بخشهای زیر را شامل می‌گردد.

الف - ایجاد اشتغال مفید

یکی از مشکلات ممالک در حال توسعه آنست که سطح اشتغال در بخش عمده‌ای از جمعیت قادر به کار، بسیار پائین است. علاوه بر آن، بازدهی کار به علت پائین بودن سطح دانش و قلت سرمایه‌گذاری سرانه غالباً محدود می‌باشد.

مسئله بیکاری در این گونه ممالک - تنها به مناطق شهری محدود نمی‌شود، بلکه به میزان قابل توجهی به دهات نیز گسترش می‌یابد. علت این امر در درجه اول جمعیت نسبتاً زیاد این کشورها است که بخشهای مختلف اقتصادی قادر به جذب آن نیست و از سوی دیگر، میزان بیکاری به صورت فصلی نیز افزایش می‌یابد. بخش عمده‌ای از جمعیت روستاها در کشورهای در حال توسعه، ظاهرأ شاغل می‌باشند لکن با توجه به احتیاجات واقعی



رشته‌های سنتی کاردستی در تشکیلات تعاونی، خصوصاً از نظر تامین منابع مالی و مسئله با صرفه‌سازی تولید و فروش محصولات این صنایع می‌تواند تحرکی جدید در فعالیت این بخش به وجود آورد و بدین وسیله از وجود نیروی انسانی بالقوه‌ای که بی‌ثمر مانده است بهره‌گیری شود.

ب - افزایش بازدهی نیروی کار

نقش شرکتهای تعاونی در افزایش بازدهی نیروی کار، شایان اهمیت است. تشکیلات تعاونی از يك سو قادر است با استفاده از شیوه مزد بیشتر در برابر کار بیشتر و سایر روشهای تشویقی، شوق کار را در اعضا تقویت نماید و از طرف دیگر، از طریق بهبود سازمان و بدون اینکه احساس استثمار یا از بین رفتن ثمره تلاش به کارگران دست دهد، بازدهی کار آنان را بالا برد.

از جمله اثرات مهم شرکتهای تعاونی در زمینه ایجاد حرکت بیشتر در عامل کار، آموزش و تربیت کادر متخصص و ورزیده است. مشکل عمده کشورهای در حال توسعه این است که به دلیل کمبود اطلاعات فنی نیروی انسانی، از عامل کار استفاده کامل به عمل نمی‌آید. زیرا این کشورها قادر به ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای لازم برای تحت پوشش قرار دادن تمامی نیروی قادر به کار نیستند و فاقد امکاناتی

صنایع کوچک و حرفه‌های مختلف را امکان پذیر کرد.

برای ایجاد تحرك و به کار گرفتن نیروی انسانی در ممالک در حال توسعه، لازم است به شرکتهای تعاونی تولید کارگری اهمیتی خاص داده شود. این شرکتهای می‌توانند نیروی کار موجود را متشکل ساخته و از نیروی فعاله آنها در ایجاد تاسیسات عمومی و پروژه‌های مختلف تولیدی استفاده کنند. همچنین ضرورت دارد برای کسانی که در بخش کشاورزی فعالیت دارند لکن به طور فصلی بیکار یا کم‌کار می‌شوند، از طریق ایجاد تحرك و رونق در صنایع سنتی روستائی و به کمک شرکتهای تعاونی، کار اضافی ایجاد شود. این امر از يك سو تولید ملی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از میزان بیکاری می‌کاهد، و مهمتر از آن، باعث می‌شود که روستائیان به موازات اشتغال به امر کشاورزی، به منبع درآمد دیگری نیز دست یابند و با ایجاد امکانات جدید اشتغال در روستاها، از افزایش مهاجرت کشاورزان به شهرها جلوگیری به عمل آید.

صنایع روستائی، تنها در حکم مکمل توسعه اقتصاد روستائی نیست، بلکه در عین حال برای خود بخش کشاورزی نیز سودمند است، زیرا قادر است تجهیزات و وسائل و ادوات کار کشاورزی را تهیه کند.

تجمع صنایع کوچک، صنایع دستی و سایر

نیروی کار، زائد بوده و به همین جهت نیز واژه «بیکاری پنهان» در توصیف این دسته از شاغلین بکار می‌رود.

علی‌رغم تلاشهای نسبتاً زیاد دولتها در جهت تقلیل میزان بیکاری، از طریق اجرای برنامه‌های توسعه و عمران اقتصادی، فاصله موجود بین جمعیت بیکار و تعداد فرصتهای اشتغال به دلیل رشد بی‌رویه جمعیت، مرتباً رو به افزایش است. به این جهت، دولتها در پی آنند تا از طریق تشکیل و توسعه شرکتهای تعاونی، از امکانات بالقوه روستاها و دیگر مراکز اقتصادی، برای ایجاد اشتغال بیشتر و افزایش تولید استفاده نمایند و با کمک مردم که در شرکتهای تعاونی متشکل گردیده و مستقیماً در تصمیمگیری و نیز منافع حاصله مشارکت دارند روستاها را از حالت عقب‌ماندگی رهائی بخشند.

در اقتصاد روستائی، صاحبان واحدهای کوچک کشاورزی و صنایع دستی، به لحاظ نداشتن وسائل و منابع لازم، در موقعیتی نیستند که بتوانند با نیروها و امکانات خود در جهت توسعه و سوددهی بیشتر این واحدها گام بردارند، ولی از طریق عضویت آنها در شرکتهای تعاونی همراه با حمایت دولت می‌توان به تدارک وسائل و عوامل تولید از قبیل مواد خام، ادوات و ماشین‌آلات و ابزار کار با هزینه‌ای کمتر اقدام کرد و به این ترتیب توسعه

می باشند که بتوانند نیروی انسانی خود را جهت آموزش به کشورهای خارج اعزام دارند. بنابر این یکی از نقش های اساسی شرکتهای تعاونی توجه به امر آموزش فنی است، زیرا این شرکتهای در موقعیتی هستند که می توانند تکنولوژی مدرن تولید را با شرایط اجتماعی موجود در این ممالک، هماهنگ و متناسب سازند.

آموزش کادر متخصص نه تنها موجب می شود که از این کار در خدمت شرکتهای تعاونی بهره برداری شود، بلکه آموزش گسترده و همه جانبه افراد و تربیت کادر متخصص و ورزیده می تواند خود انگیزه ای شود برای جلب نیروی انسانی آموزش ندیده و تربیت نشده به محیط آموزشی تعاونیها جهت بالا بردن اطلاعات فنی.

ج- تشکیل سرمایه و کاربرد صحیح آن یکی از تنگناهای اصلی برنامه های توسعه در ممالک در حال رشد، کمبود منابع مالی است، به طوریکه کمبود سرمایه در این ممالک، هم علت فقر است و هم معلول فقر. زیرا میزان تشکیل سرمایه بسیار قلیل است و دلیل آن این است که درآمد واقعی سرمایه در این کشور نسبتاً پائین است و از منابع سرمایه موجود نیز استفاده کافی به عمل نمی آید، چرا که حجم پس انداز همیشه به میزان درآمد افراد بستگی دارد و این درآمد در بین توده مردم کمتر از حداقل لازم جهت ادامه حیات است. لذا روشن است که مازادی برای پس انداز باقی نخواهد ماند.

نحوه پس انداز نیز در ممالک در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته دارای تفاوت های اساسی و به صورتی است که در جهت تولید و ایجاد درآمد اضافی به کار نمی رود. مالکین بزرگ و ثروتمندان غالباً تمایلی برای به کار انداختن سرمایه خود در امور تولیدی ندارند و آن را به صورت طلا و وسائل زینتی و حتی پول نقد نگهداری می نمایند و یا در برخی از ممالک به صورت وام

جלוگیری کرده و ذخیره کردن درآمدهای زائد بر مصرف را تشویق نمایند.

۲- تمرکز و به کارگیری پس اندازها
تعاونیها قادرند مازاد درآمد اعضای خود را در صندوقی متمرکز نموده و با انجام عملیات بانکی و اعتباری، موجبات به کار انداختن آن را به صورت سرمایه گذاری مستقیم توسط شرکت، یا به وسیله پرداخت وام به افراد جهت سرمایه گذاری مستقل فراهم نمایند.

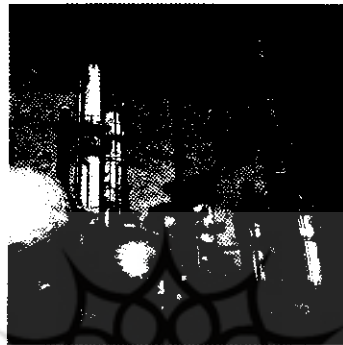
۳- کاهش هزینه های تولید
تعاونیها می توانند با ترکیب مناسب عوامل تولید و هماهنگ ساختن نیروها و امکانات موجود هزینه های تولید را کاهش داده و حداکثر بهره برداری را از سرمایه گذاری انجام شده بدست آورند. این امر باعث افزایش درآمد و امکان پس انداز می گردد.

۴- تضمین وامهای بانکی اعضا
شرکتهای تعاونی تضمین مطمئن تری برای مؤسسات وام دهنده بوده و قادرند رابطه سالمی بین اعضا و مؤسسات اعتباری موجود در مملکت برقرار ساخته و وامهای کوتاه، متوسط یا طویل المدت از آنها اخذ و در اختیار اعضا قرار دهند و دست وام دهندگان خصوصی را از دامن اعضای خود کوتاه سازند.

۵- هدایت اعضا در امور سرمایه گذاری
شرکتهای تعاونی می توانند اعضا خود را به سرمایه گذاریهای مفید و سودآور تشویق و آنان را در این مسیر هدایت نمایند و با توصیه های سودمند خود به اعضا و یادآوری جهات مثبت و منفی سرمایه گذاریها، از سرمایه گذاریهایی که منجر به بازدهی صحیح و منطقی نخواهد شد، ممانعت به عمل آورند.

۶- نظارت بر مصرف وامها
همچنین شرکتهای تعاونی می توانند وظیفه نظارت بر مصارف وامها را بر عهده گیرند و از این طریق از مصرف بی رویه منابع قلیل سرمایه جلوگیری کنند.

مأخذ: کتاب نهضت تعاون در کشورهای در حال توسعه از انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور



دهنده ظاهر می شوند. وامهای اخذ شده از منابع مختلف نیز به مصارف غیرتولیدی نظیر مایحتاج زندگی یا امور تشریفاتی می رسد و به ندرت موجب افزایش تولید می گردد و فقط سود سرشاری نصیب وام دهنده می نماید.

غالباً تشکیل سرمایه داخلی در این کشورها با این دشواری روبرو است که قیمت کالاها دستخوش نوسانات ناشی از تورم می گردد، به طوریکه اغلب تنزل قدرت خرید پول از میزان بهره سالانه آن تجاوز می کند. به همین لحاظ نرخ بهره در بازار آزاد بسیار بالا می رود و این دلیل دیگری است که چرا صاحبان درآمدهای قادر به پس انداز، مازاد درآمد خود را در بانکها پس انداز نمی کنند. در این رابطه شرکتهای تعاونی حائز محاسن زیر می باشند:

۱- تشویق به پس انداز
شرکتهای تعاونی می توانند اعضای خود را در زمینه مصرف کمتر راهنمایی نموده و از طریق آموزشهای لازم، از صرف درآمدهای افراد در امور زائد و تشریفاتی تا حدود زیادی